

## موشک پرانی در حین قايم موشک بازی با امپریالیسم!

مانور موشکی اخیر جمهوری اسلامی بار دیگر "پروژه اتمی" دیکتاتوری حاکم بر ایران و احتمال حمله نظامی به تاسیسات اتمی کشور و شعله ور شدن آتش جنگی جدید در منطقه را به یکی از مهمترین تیترهای خبری جهان تبدیل نمود. مانور اخیر که ظاهراً در پاسخ به تهدیدهای اخیر اسرائیل و بقول فرمانده نیروی هوایی سپاه پاسداران جمهوری اسلامی جهت نشان دادن "قدرت و آمادگی جمهوری اسلامی به دشمنان" سازمان یافته بود با پرتاب ۹ موشک فصد داشت هم "اقتدار جمهوری اسلامی" را به نمایش بگذارد و هم "درس عبرتی" به دشمنان "ام القرای اسلام" و حکومت "ولایت مطلقه فقیه" بدهد. با برگزاری این مانور، جمهوری اسلامی ظاهراً به تهدیدات اخیر اسرائیل پاسخ می‌گفت که بارها از زبان مقامات مختلف خود از جمله ژنرال اسحاق بن اسرائیل اعلام کرده بودند که اگر راه حل دیپلماتیک جهت جلوگیری از دستیابی جمهوری اسلامی به سلاح اتمی به نتیجه نرسد برای این کشور چاره‌ای جز حمله به تاسیسات اتمی ایران باقی نمی‌ماند. به این ترتیب به قول فرمانده سپاه پاسداران، جمهوری اسلامی از طریق این مانور می‌خواست به اسرائیلی‌ها "درس عبرتی" بدهد. ژنرال اسرائیلی مزبور که یکی از طراحان حمله اسرائیل به تاسیسات اتمی عراق در سال ۱۹۸۱ می‌باشد تهدیدات خود را در ۲۸ ژوئن در مصاحبه با اشپیگل مطرح نموده و گفته بود: "یک چیز مسلم است. اسرائیل دست روی دست نخواهد گذاشت و تماشا نخواهد کرد که ایرانی‌ها چگونه بمب اتمی درست می‌کنند. اگر قرار باشد، ما نیروی قهر به کار خواهیم بست". این تهدیدها به خصوص پس از مانور بزرگ هوایی اسرائیل در مدیترانه که با همکاری یونان صورت گرفت احتمال حمله نظامی به تاسیسات اتمی جمهوری اسلامی را بار دیگر با برجستگی هر چه بیشتری در اذهان عمومی مطرح نمود. در این مانور هوایی، حدود ۱۰۰ هواپیمای اسرائیلی در یک مأموریت طولانی برای رسیدن به هدفهای فرضی مسافت بسیار زیادی را تا دریای مدیترانه طی کرده و در آسمان سوخت‌گیری کردند. مطابق گزارشات منتشره مسافت طی شده توسط هواپیماهای جنگی اسرائیل با مسافت بین اسرائیل و تاسیسات اتمی جمهوری اسلامی در نطنز برابر بود.

اما در رابطه با مانور موشکی جمهوری اسلامی، که قرار بود نمایشگر قدرت و آمادگی جمهوری اسلامی باشد، این مانور در عمل به نمایش ناتوانی و عدم آمادگی‌های جمهوری اسلامی تبدیل شد و در جریان آن یکی از موشکهای جمهوری اسلامی به دلیل نقص فنی اساساً پرتاب نشد. بر اساس گزارش خبرگزاریها در مانور موشکی جمهوری اسلامی موشک "شهاب ۳" نیز آزمایش شد که به ادعای دستگاه تبلیغاتی این رژیم قدرت برد آن به ۲۰۰۰ کیلومتر می‌رسد و قادر است از ایران اهدافی را در خاک اسرائیل هدف قرار دهد. با اینحال برخی از متخصصین نظامی غرب با بررسی کارشناسانه مانور فوق ادعای رژیم مبنی بر "قدرت برد" موشکهای "شهاب ۳" را زیر سوال بردند. حتی وزیر خارجه روسیه با توجه به همین واقعیت اعلام نمود که "این مانور نشان داد که خطری از سوی ایران غرب را تهدید نمی‌کند." و روزنامه "گلف نیوز" گزارشات جمهوری اسلامی از این مانور را با "بلوف‌های رژیم صدام" قبل از حمله آمریکا به این کشور مبنی بر داشتن "زرادخانه‌های موشکی و یک ارتش یک میلیونی" مقایسه نمود! رسوائی رژیم در رابطه با مانور اخیر وقتی بیشتر بالا گرفت که برخی از خبرگزاریها و مطبوعات جهان گزارش دادند که سپاه پاسداران جمهوری اسلامی جهت بزرگ نمائی قدرت موشکی

رژیم با دستکاری فیلم‌هایی که از این "رزمایش" تهیه شده بود فیلمی جعلی و دستکاری شده در اختیار آنها قرار داده است و حتی نشریه نیویورک تایمز ضمن مسخره کردن جمهوری اسلامی نوشت که در این رژیم "استعداد خوبی برای جعل موشکی و استفاده از برنامه کامپیوتری «فتو شاپ» وجود دارد". اما وزیر خارجه آمریکا با نمایش یک بی‌اعتنائی آشکار به همه رسوائی‌های جمهوری اسلامی در مانور اخیر، ضمن جدی جلوه دادن بلوف‌های سردمداران جمهوری اسلامی، با استفاده از فرصتی که چنین مانور‌هایی در اختیارش قرار داد، اعلام نمود که آمریکا به هیچکس "اجازه" نمی‌دهد که به متحدینش در منطقه آسیبی برساند.

در ارتباط با نتایج واقعی و نه ادعایی مانور موشکی اخیر جمهوری اسلامی و تهدیدات لفظی گاه و بیگاه این رژیم علیه اسرائیل، باید به چند نکته مهم توجه داشت. اولاً اسرائیل همیشه به عنوان چماق امپریالیسم آمریکا در منطقه مطرح بوده است. حتی ریگان در زمانی که رئیس‌جمهور آمریکا بود این کشور را "ناو هواپیما بر آمریکا در منطقه" می‌نامید. از طرف دیگر در ارتباط با مانور نظامی هواپیماهای اسرائیلی این واقعیتی است که در ۴۰ سال گذشته اسرائیل به دلیل وابستگی تمام‌عیارش به آمریکا هیچ اقدام مهم جنگی را بویژه در منطقه خاورمیانه بدون همکاری و پشتیبانی آمریکا انجام نداده است بنابراین روشن است که تهدیدات اخیر اسرائیل بدون نظر و تمایل آمریکا صورت نگرفته و بیانگر آنست که این قدرت جهانی با جلو انداختن اسرائیل و تاکید بر "گزینه نظامی" و دامن زدن به فضای جنگی در شرایط کنونی قصد دارد راه پیشبرد سیاست‌های سلطه‌جویانه اش را هموار سازد. بی دلیل نیست که مانور هوایی اسرائیل برای اولین بار بوسیله روزنامه آمریکائی "نیویورک تایمز" انعکاس وسیعی یافت.

از طرف دیگر وزیر خارجه آمریکا با برجسته کردن "تهدید موشکی" جمهوری اسلامی به مثابه یک واقعیت و نه "یک توهم" موشک پرانی رژیم را دستاویزی جهت اعلام این امر نمود که این مانور موشکی بار دیگر ضرورت "طرح سپر موشکی" آمریکا را به اثبات رساند. و به این ترتیب امپریالیسم آمریکا با کمک همین "موشک پرانی‌های" جمهوری اسلامی در صدد حقیقت بخشی به پیشبرد سیاست‌های توسعه طلبانه خود بر علیه رقبا برآمد.

طرح سپر موشکی همان طرحی است که آمریکا می‌کوشد بخشی از آن را در لهستان و جمهوری چک مستقر نماید و روسیه مدعی است که این طرح امنیت این کشور را به خطر می‌اندازد. اما علیرغم اعتراضات روسیه که این طرح را یک تهدید امنیتی برای خود ارزیابی کرده و شدیداً با آن مخالفت نموده و تهدید کرده است که در صورت اجرا آن را بی پاسخ نخواهد گذاشت آمریکا از اجرای این طرح باز نمانده و جهت تصویب آن در جمهوری چک حتی پذیرفته است که شهروندان این کشور از پایان سال جاری بدون ویزا به آمریکا سفر کنند!

واقعیت این است که همانطور که ما بارها و با تکیه بر فاکت‌های غیر قابل انکار نشان داده ایم با توجه به وابستگی غیر قابل تردید جمهوری اسلامی به امپریالیسم، پروژه هسته‌ای این رژیم تنها پوششی است که رقابتها و تنش‌های قدرتهای بزرگ در لوای آن پیش می‌رود. عکس العمل سریع وزیر خارجه آمریکا در رابطه با مانور موشکی اخیر نیز بار دیگر نشان داد که چه نیرو‌هایی عملاً از رجز خوانی‌های سردمداران "ام‌اف‌رای اسلام" سود می‌برند. اگر به تلاش‌های آمریکا در رابطه با بستن قراردادهائی

جهت ساختن نیرو گاه اتمی برای کشور های منطقه توجه کنیم و اگر سیل فروش اسلحه به منطقه را در نظر بگیریم آنگاه سود آوری "بحران هسته ای" و فضای جنگی ناشی از آن برای امپریالیستها و به خصوص امریکا را بهتر درک می کنیم. در چنین چارچوبی ست که ما می بینیم که به بهانه پروژه اتمی جمهوری اسلامی امریکا و دیگر قدرتهای غربی با اکثر کشور های منطقه در حال مذاکره برای ساختن راکتور های هسته ای هستند حتی کشور کوچکی مثل بحرین نیز جهت ساختن نیرو گاه اتمی با امریکا در حال مذاکره است! روشن است که از این موج ساختن نیروگاه اتمی چه کسانی سود می برند! از سوی دیگر نقش "تهدیدات جنگی" جمهوری اسلامی در بالا گرفتن تب جنگ در منطقه در رونق بازار اسلحه و فروش میلیارد ها دلار اسلحه به کشور های منطقه غیر قابل انکار است؛ همان طور که دیده ایم این موشک پرانی فوراً باعث افزایش قیمت نفت (اگر چه به صورت موقتی) شد و به گزارش بی بی سی باعث گشت برای اولین بار بهای هر بشکه نفت از مرز ۱۴۷ دلار گذر کند. واقعیتی که با توجه به آن براحتی می توان فهمید که چه نیرو هائی و کشور هائی در این رابطه میلیارد ها دلار به جیب خواهند زد.

تا آنجا که بحث مربوط به رژیم جمهوری اسلامی مطرح است، مانور اخیر بار دیگر نشان داد که این رژیم چگونه در پوششش به اصطلاح نمایش اقتدار و نمایش مضحک آن آب به آسیاب سیاستهای توسعه طلبانه امپریالیسم می ریزند. واقعیت آنست که جمهوری اسلامی به مثابه رژیمی وابسته به امپریالیسم در سیاستهای خود در خط تعیین شده از سوی قدرتهای امپریالیستی حرکت می کند. در حال حاضر این رژیم در شرایطی که به هزار و یک طریق در حال مذاکره و دادن امتیاز های ضد ملی است، در همان حال در رابطه با احتمال حمله نظامی هیاهو براه انداخته و از درس عبرت دادن به کسانی دم می زند که روابط پنهانی اش با آنها در طی ۸ سال جنگ با عراق بر کسی پوشیده نیست و بارها طشت رسوائی همکاری جمهوری اسلامی با امریکا و اسرائیل از بام فرو افتاده است؛ این رژیم در شرایطی از درس عبرت دادن به دشمنان! دم می زند! که به گزارش خبرگزاری فارس در مذاکرات اخیر ژنو از زبان سعید جلیلی نماینده خود، خواهان آن شده که قدرتهای غربی و به خصوص امریکا تضمین و اطمینان دهند که: "حمله نظامی به تهران یا هر اقدامی با هدف تغییر نظام در ایران به ویژه به دست آمریکا" صورت نخواهد گرفت. همان مذاکراتی که نماینده امریکا رسماً در آن شرکت داشت. تازه همه اینها در شرایطی است که مذاکره برای باز شدن دفتر دیپلماتیک امریکا در تهران بین جمهوری اسلامی و دولت امریکا در جریان است. با توجه به همه این واقعیات است که رجز خوانی های جانیان حاکم بر ایران را نباید جدی گرفت. تجربه نشان داده است که هرگاه سردمداران جمهوری اسلامی در حال مملکت فروشی پنهانی و بستن قراردادهای فضاحت بار هستند، بیشتر هیاهو براه می اندازند. مثلاً در حالیکه در جریان جنگ با عراق فریاد می زدند "جنگ جنگ تا رفع فتنه در عالم" در همان زمان در حال پذیرش شرایط آتش بس و بقول خودشان خوردن "جام زهر" بودند و یا در همان زمانی که با اشغال سفارت امریکا فریاد "انقلابی بزرگتر از انقلاب اول" سر داده بودند، دیدیم که در قرارداد الجزایر به چه خفتی تن دادند که کار به آنجا رسید که مقامات امریکا خودشان اعتراف کردند که در الجزایر جمهوری اسلامی را "نقره داغ" کرده اند. امروز نیز باید دانست که مانور موشکی اخیر، جز یک سیاست ضد ملی نیست که دارو دسته ای که رسماً و علناً تضمین تداوم حیات خود را از امپریالیسم و به خصوص امریکا طلب می کند آن را در خدمت امپریالیستها انجام می دهد. به همین دلیل این موشک پرانی در واقع تلاشی است برای کنمان کردن قایم موشک بازی زیر پرده رژیم با قدرتهای امپریالیستی و به خصوص دولت امریکا که محتوای آن مثل همیشه دیر یا زود از پرده بیرون خواهد افتاد.

## وحشت پراکنی برای غلبه بر وحشت!

در ماه‌های اخیر به موازات تداوم و گسترش اعتراضات دلاورانه ضد حکومتی توده‌های تحت ستم ما، رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی موج جدیدی از اعدام‌های وحشیانه را در سراسر کشور به راه انداخته است. در شهرهای تهران، برازجان، سبزوار، سنندج، بوشهر و ... ده‌ها تن تحت عناوین مختلف از "قاچاقچی" مواد مخدر گرفته تا "اراذل و اوباش" و "متجاوزین به عنف" و بالاخره "محارب" (عنوانی که سردمداران جنایتکار حاکم برای نامیدن مخالفین نظام از آن استفاده می‌کنند) به چوبه‌های دار سپرده شده‌اند و خبر اعدام آنها بابوق و کرنا در بلندگوهای تبلیغاتی پخش شده است. شمار بزرگی از این اعدام‌ها در ملاء عام صورت گرفته و این درحالی است که سال گذشته برخی از مقامات جلاد دیکتاتوری حاکم بدلیل وحشت از رسوایی هر چه بیشتر حکومت خویش در افکار عمومی بین‌المللی، اعلام کرده بودند که اعدام‌های در ملاء عام "متوقف" میشوند.

از سوی دیگر، در ماه‌های اخیر جو جامعه هر چه بیشتر پلیسی گشته و بر ابعاد پیگیری و اذیت و آزار توده‌های تحت ستم تحت عناوین مختلف افزوده شده است. مزدوران جمهوری اسلامی دسته دسته در معابر عمومی شهرهای کشور ظاهر شده و زیر نام‌های فریبکارانه ای همچون "ارتقاء امنیت اخلاقی"، "مقابله با بدحجابی"، "مقابله با تحرکات دشمن" و بالاخره "تامین امنیت" و بالاخره با گسترش دخالت‌های سرکوبگرانه دولتی، می‌کوشند ترس و رعب و ناامنی در میان توده‌های محروم را هر چه بیشتر تشدید کنند. در چنین فضایی است که بطور مثال جلادان حاکم با فساوتی که تنها از جانیان بالفطره ای چون آنها برمی‌آید، اعلام می‌کنند که حکم "قطع انگشتان دست سه سارق" در کرج به نحوی که "کف دست و شست آنها باقی بماند" تایید شده و به اجرا در خواهد آمد. و یا در چنین شرایطی است که در گرگان مردم را تهدید به فرستادن "قضات" و تشکیل "دادگاه" در همان خیابان برای متخلفین و بدحجابان می‌کنند و یا رییس پلیس مزدور رژیم در خراسان اعلام می‌کند که نیروهای انتظامی در چارچوب طرح "امنیت اخلاقی" با متوقف کردن ماشینها و تجسس آنها در سطح شهر، با صاحبان "خودروهای مزاحم" که "سگ و گربه و میمون" حمل می‌کنند، برخورد خواهد کرد!

در همین حال، استبداد حاکم به نحو چشمگیری بر دامنه سرکوب جنبش‌های دلاورانه اجتماعی نظیر مبارزات کارگران و اعتراضات و مقاومتهای زنان و دانشجویان و جوانان و خلق‌های تحت ستم نیز افزوده است. مجموعه تمامی این اقدامات تعرضی و ضد مردمی نشان می‌دهد که دیکتاتوری حاکم در دوره جاری بار دیگر ضمن بستن شمشیر از رو کوشیده است تا جایی که توان ضد انقلابی اش اجازه می‌دهد با تشدید کنترل و سرکوب در تمام جوانب حیات توده‌های تحت ستم هر صدای مخالفی را در گلو خفه کند.

اما سوال اصلی اینجاست که کدام ضرورت ها و یا نیازی مبادرت به برپایی وسیع و علنی جوبه های دار و چنین یورش ضد خلقی ای را برای سردمداران جمهوری اسلامی و باصطلاح نظام "عدل اسلامی" آنان ایجاب کرده است؟

گردانندگان نظام استثمارگرانه حاکم برای موجه جلوه دادن جنایات خویش گاهها ادعا می کنند که تشدید اعدام ها و مجازات های وحشیانه دیگر (که در حقیقت تلاشی برای اعمال کنترل های بی سابقه در تمام زوایای زندگی اجتماعی مردم در چارچوب جامعه تحت سلطه ماست) را با هدف برافکندن "بزهکارهای اجتماعی" نظیر "قاچاق مواد مخدر"، "اعتیاد"، "فحشاء"، "زدی"، "شرارت و نامنی" و غیره سازمان داده اند. اما هر انسان اندک با تجربه ای می داند که اتفاقاً رژیم فاسد و ضد خلقی جمهوری اسلامی با دفاع از نظام استثمارگرانه سرمایه داری وابسته در ایران، خود بزرگترین عامل گسترش تمامی بلایای اجتماعی در جامعه تحت سلطه ما بوده است و در نتیجه شرط اول مقابله واقعی با بزهکاران اجتماعی از میان برداشتن این رژیم و مناسبات استثمارگرانه ای است که با چنگ و دندان از آن حفاظت می کند، درست بدلیل همین واقعیت است که اعدام و بگیر و ببند و اعمال مجازات های وحشیانه قرون وسطایی این حکومت در حق بزهکاران اجتماعی کوچکترین کمکی به امحاء و یا حتی از آن کمتر تخفیف چنین بلایایی در جامعه ما نکرده است. این واقعیت حتی برای خود دولتمردان حاکم نیز هویداست. چرا که گاه و بیگاه برخی از آنان به سترونی اعمال مجازات های ضد خلقی با رویای باصطلاح ریشه کنی بیماریهای اجتماعی نیز معترف شده و می پذیرند که مثلاً استفاده و قاچاق "مواد مخدر" را با "اعدام" نمیشود برانداخت. در نتیجه از همین جا نیز می توان دریافت که هدف از تشدید اعدامها و گسترش سرکوب در جامعه "مبارزه با بلایای اجتماعی" نیست.

واقعیت را بخواهیم، جمهوری اسلامی با براه انداختن دوباره بساط دار و شکنجه در معابر عمومی و نمایش جنایات خویش در افکار عمومی و یا به زعم خود نمایش قدرت سرکوب رژیم جمهوری اسلامی، در حقیقت تشدید سرکوب و کنترل توده ها را هدف خود قرار داده در صدد "درس عبرت" دادن به توده ها است. تا در شرایط تشدید بحران های اقتصادی و سیاسی خویش بر خطر ناشی از غلیان خشم و نفرت توده های تحت ستم از نظام و حکومت ضد خلقی حاکم غلبه کند. با دار زدن قربانیان در مقابل چشم توده ها، با پیگرد و بگیر و ببند جوانان و دانشجویان و کارگران و زنان زیر نام مقابله با بی اخلاقی و شرارت و ... و تبلیغ و نمایش این جنایات هولناک در سطح خیابانها، با متوقف کردن و جستجوی اتومبیلها برای باصطلاح یافتن سگ و گربه و "میمون" و با تشکیل بیدادگاه در معابر عمومی در واقع این چماق سرکوب و کنترل دولتی ست که با قدرت در بالای سر توده های بجان آمده و زندگی سراسر تحت فشار و محنت آنان به پرواز درآمده است. ایجاد و گسترش جو ارباب و سرکوب، حربه ای ست که دیکتاتوری حاکم با توسل به آن به مردم به جان آمده پیام می دهد که در فکر مخالفت و مقاومت در مقابل ستم و استثمار و سرکوب طبقه حاکم نباشند. با این اعمال وحشتناک، رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی در صدد است تا به دشمن خود یعنی کارگران و زحمتکشانشان بجان آمده و بپا خاسته (نظیر کارگران دلاور هفت تپه و لاستیک البرز و...)، و به دانشجویان معترض در دانشگاه های کشور، به زنان مبارز و مقاوم و به جوانان و توده های بجان آمده و به خلقهای تحت ستم اخطار دهد که در صورت مخالفت با اراده ضد خلقی طبقه حاکم و در صورت مبارزه بر علیه دستگاه ستم و جور سرمایه داران وابسته، سرنوشتی جز زندان و شلاق و شکنجه و چوبه دار در انتظار آنها نخواهد بود. این جوهر هدف

ضد خلقی رژیم‌ست که در شرایط تشدید بحران بار دیگر و با شدتی هر چه بیشتر به جان توده‌های بجان آمده افتاده و به نمایش جنایات خود پرداخته است.

تمامی تجارب مبارزاتی گواه بر آن است که تمامی اقدامات ضد خلقی و باصطلاح قاطع جانپان حاکم و نمایش قدر قدرتی دستگاه حکومتی شان، خود انعکاس یک واقعیت مهم و برجسته یعنی شدت ترس و وحشت جمهوری اسلامی از گسترش فزاینده اعتراضات توده‌ای و آینده نامطمئن خویش در مقابل جنبش توده‌هاست. تشدید سرکوب و اعدام و نمایش علنی آنها نشان می‌دهد که برغم تمامی جنایات و سرکوبهایی که رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی در حق توده‌های تحت ستم ما مرتکب شده، دیکتاتوری حاکم هنوز قادر به خفه کردن صدای اعتراض آنان و مرعوب کردن مردم به جان آمده ما و برقراری سکوت قبرستان در جامعه تحت سلطه ما نگشته است. بنابر این وحشت پراکنی‌های اخیر توسط مزدوران حاکم در جامعه برای تحقق هدف فوق انجام شده و راه‌گریزی‌ست که جلادان حاکم برای غلبه بر ترس و وحشت بی‌پایان خویش از خشم و نفرت مردم به جان آمده و مبارز ما بدان دست یازیده‌اند.

سرکوب عامل اصلی بقای رژیم جمهوری اسلامی و نظام استثمارگرانه‌ای است که این رژیم از آن حفاظت می‌کند. این حقیقت را تجربه ۳۰ سال حکومت دار و شکنجه جمهوری اسلامی نشان داده است، در عین حال که توسل به سرکوب و اقدامات جنایتکارانه بیشتر بر علیه توده‌ها انعکاس وحشتی‌ست که در مقابل خشم متراکم شونده توده‌ای سردمداران رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی را به لرزه در آورده است.

[بازگشت به صفحه اصلی](http://www.siahkal.com)  
<http://www.siahkal.com>